

جزئیات جدیدی از پرونده قتل در پنج شنبه بازار آشخانه

یکی از آنان با رفتن به سوی مقتول از نگاه او به خود شاکمی و درگیری میان مقتول و دوستش با ۴ جوان با حالت خاص آغاز می شود. به گفته «ایزالو» در پی درگیری به وجود آمده مقتول این حادثه بر اثر شدت جراحات وارد شده جان باخت. مقتول ۳۷ ساله و اهل یکی از روستاهای مانه و سملقان بود.

جزئیات جدیدی از پرونده درگیری خونین در پنج شنبه بازار آشخانه اعلام شد. بر اساس اعلام دادستان عمومی و انقلاب مانه و سملقان، تحقیقات اولیه از انگیزه قتل در روز پنج شنبه هفته گذشته در آشخانه حاکی از آن است که هنگام عبور ۴ جوان با حالت نامتعادل در پنج شنبه بازار این شهر، مقتول وقتی با نگاهش این افراد را دنبال می کند

قتل با سلاح گرم

فرد مصدوم به بیمارستان فاروج منتقل شد اما بر اثر شدت جراحات وارد شده و خون ریزی داخلی جان باخت. دادستان عمومی و انقلاب فاروج با تأیید این حادثه گفت: متهم به قتل متواری است و تحقیقات انتظامی و قضایی در خصوص چگونگی و دلایل و انگیزه های این قتل در حال انجام است.

آگاهی- مرد ۳۹ ساله فاروجی با سلاح گرم به قتل رسید. به گزارش خبرنگار ما، در پی اعلام گزارش تیراندازی در ساعت حدود ۱۵ بیستم ماه جاری در روستای مایوان فاروج، مأموران انتظامی برای بررسی موضوع راهی این روستا شدند. با حضور مأموران مشخص شد مردی ۳۹ ساله بر اثر شلیک دو گلوله به قفسه سینه اش مجروح شده است.

مشوک

مردی که خودش را کباب کرد

صدیقی- مردی که در یک سهل انگاری و اشتباه مهلک هنگام روشن کردن آتش به جای نفت از بنزین استفاده کرده بود، آتش به جانش افتاد. پدربزرگ پجنوردی قصد داشت به افتخار حضور نوه اش با زغال برای او کباب درست کند اما خبر نداشت به خاطر سهل انگاری، خودش به جای گوشت، کباب خواهد شد. مصدوم که دچار سوختگی شدید شده است در این باره گفت: روزی یکی از نوه هایم به دیدنم آمد به همین دلیل خواستم برایش کباب زغالی درست کنم. زمان روشن کردن آتش ابتدا کمی ژل آتش روی هیزم هاربختم اما موفق به روشن کردن آن نشدم. بعد از این ماجرا نوه ام از من خواست از نفت استفاده و آتش را برپا کنم. من هم بدون توجه به محتویات داخل شیشه که نفت است یا چیز دیگری همه مایع را روی هیزم هاربختم. موقع کبریت کشیدن چون باد می وزید خودم را روی هیزم ها خم کردم تا آتش خاموش نشود. به محض این که کبریت را کشیدم و روی هیزم ها انداختم در یک لحظه آتش گر و تمام بدنم را فرا گرفت. همان طور که به خودم می پیچیدم نوه ام هراسان داخل کوچه رفت و از همسایه ها کمک خواست و با کمک آن ها از مرگ نجات پیدا کردم و توسط اورژانس به بیمارستان منتقل شدم. در این حادثه از ناحیه دست، پا و صورت دچار سوختگی شدید شدم و شانس آوردم که نوه ام کنارم بود وگرنه معلوم نبود در تنهایی ام اگر این اتفاق می افتاد چه بلایی سرم می آمد. البته این حادثه درس عبرتی برایم شد که قبل از استفاده از مشتقات نفت حتما آن را بررسی کنم تا این گونه غافلگیر و به جای گوشت، خودم کباب نشوم.

سوی او وجودش غرق در وحشت و ترس می شود و عطای زندگی با شوهرش را به لقایش می بخشد. بعد از مدتی زن وقتی می بیند که شوهرش قصد بازگرداندن او را ندارد راهی دادگاه خانواده می شود و از همه حق و حقوق خودش می گذرد و حتی با دادن حضانت ۲ فرزندش طلاقش را از او می گیرد و از آن خانه به نوعی فرار می کند. به خاطر دوری از فرزندانش دوباره سراغ مواد می رود ولی بالاخره تصمیم می گیرد به کمپ ترک اعتیاد بیاید.

زن جوان می گوید: «هر بار که شوهرم برای کار از خانه خارج می شد طولی نمی کشید که مرد هوس ران به بهانه سرکشی و احوالپرسی به خانه ما می آمد و بعد از پذیرایی با چشمان زهر آلودش شروع به چشم چرائی می کرد و با الفاظ زشت شروع به تعریف و تمجید از قیافه ام می کرد. هر بار به او می گفتم که دست از کارهای ناروایش بردارد و گرنه شوهرم را در جریان خواهم گذاشت و او با التماس می گفت که بار آخرش است و دیگر تکرار نمی شود. این ماجرا مدتی ادامه پیدا کرد تا این که روزی دوباره مرد هوس ران وارد خانه ام و در یک لحظه به سویم حمله ور شد تا مرا مورد آزار قرار دهد. با داد و فریاد توانستم خودم را از چنگ مرد گرگ صفت خلاص کنم و مرد هوس ران نیز به سرعت با به فرار گذاشت.

بعد از این حادثه ترسناک وقتی شوهرم را در جریان گذاشتم در کمال تعجب به من گفت که یک جوری خودم قضیه را جمع و مشکل را برطرف کنی چون اعتیاد از همسر یک مترسک بی اختیار و بی اراده ساخته بوده. زن جوان که همه امیدش مرد خانه اوش بود با شنیدن جملات مایوس کننده از

می شود که طلاهیش چرا گم می شوند و سارق چه کسی است؟

زن که گرد سیاهی مواد، چهره اش را مخدوش کرده است، می گوید: «در حین مصرف شیشه باردار شدم و بچه هم معتاد به دنیا آمد. ماجرای اعتیادم را به زایشگاه اطلاع ندادم و سر این اتفاق هم حال خودم خراب شد و هم حال نوزاد و او بعد از مرخص شدن از بیمارستان به خاطر خماری دچار تشنج شد تا این که به ناچار پزشک را در جریان گذاشتم و پسر چند روزه ام بستری و از شر مواد خلاص شد. به ناچار خانواده ام را در جریان اعتیاد گذاشتم تا این که یک روز دایی ام، مرا به بهانه آرایشگاه به یک کمپ برد و بعد از ۴ ماه از آن جاپاک خارج شدم.

بعد از پاک شدن زن جوان از شر مواد، چهره اش کمی کم شفاف می شود و به گفته خودش از زنی لاغر اندام به یک زن زیبا روی تغییر چهره می دهد و همین اتفاق باعث می شود مورد طمع یک مرد هوس ران از نزدیکان خود قرار گیرد. زن غم زده اصلا انتظار چنین رفتار زشتی را از سوی حامیل خودش نداشت چرا که او را مانند پدرش فرض و خطاب می کرد.

شوهر حيله گرم با ترفندهای مختلف از من خواست از خطای او بگذرم و وعده داد که این آخرین بار است که به هروئین لب می زند و برای همین از من خواست او را چند بار همراهی کنم تا مرز هروئین را هم چشیده باشم». زن در تله همسر افتاده بعد از مرز کردن هروئین در دام آن گرفتار می شود و به دور از چشم همسرش هروئین را جایگزین تریاک می کند و در آن غوطه ور می شود. بعد از مدتی با مصرف هروئین چون مدام چرت و خماری سراغش می آید و از نظر قیافه هم تغییر می کند برای برطرف کردن این مشکل شیشه را جایگزین هروئین می کند.

زن غوطه ور در شیشه برای تأمین هزینه مواد مدام به خودش دستبرد می زند و النگوی دختر خردسالش و همچنین دستبند و گوشواره های خودش را یکی یکی خرج می کند. هر چند شوهرش به او مشکوک می شود اما مدام او را سر می دواند و در برخی مواقع از شوهرش طلبکار هم

ماجرای زنی که النگوی دختر خردسالش را خرج مواد کرد

فرار از محول دود و هوس



ریاضی

دربهای اتوماتیک

► **RIAZI AUTOMATIC DOORS**

تخصص، تجربه، مشتری مداری
بهترین قیمت، بهترین کیفیت

اجرا و نصب
کرکره های برقی
شیشه و جک پارکینگ

آش، امنیت و زیبایی
کارتان را به ما بسپارید...

مدیریت: ریاضی

شیروان، خیابان امام خمینی

۱۹۴۱ ۳۸۵ ۰۹۱۵

چشمی که هرگز پلک نمی زند

تولید و مونتاژ دوربین های مدار بسته

دارنده ۴ استاندارد بین المللی:

- ایزو ۹۰۰۱ استاندارد بین المللی مدیریت کیفیت
- ایزو ۱۰۰۰۴ استاندارد بین المللی رضایت مندی مشتری
- ایزو ۱۴۰۰۱ استاندارد بین المللی زیست محیطی
- ایزو ۴۵۰۰۱ استاندارد بین المللی ایمنی و بهداشت حرفه ای سیستم مدیریت یکپارچه IMS

ضمانت بازگشت وجه
تا ۱۰ روز در صورت
عدم رضایت مشتری

۵۰٪ درصد نقد الباقی چک

شما هم به جمع مشتریان ما بپیوندید

بجنورد، خیابان شهید بهشتی شمالی، بعد از بانک سپه، سرای کلاهدوز
دفتر مرکزی: ۰۵۸۳۲۲۳۴۴۷۳ فرزاد کلاهدوز ۰۹۱۵۵۸۴۸۳۵۷

فرزاد ادا